

## روسیه و ابتکار "کمربند-جاده" چین (۲۰۲۰-۲۰۱۳)

محمدحسن شیخ‌الاسلامی<sup>۱</sup>

حمیدرضا اشرفی<sup>۲</sup>

### چکیده

ابتکار کمربند-جاده در سال ۲۰۱۳ توسط شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین مطرح شد. این ابتکار یکی از وجوه حائز اهمیت سیاست خارجی چین را تشکیل می‌دهد. از طرفی با توجه به وسعت جغرافیایی، ابعاد زیرساختی گسترده و تحولات متعاقب این طرح، کشورهای مختلف در دو سطح آکادمیک و اجرایی آن را مورد بررسی و توجه ویژه قرار داده‌اند. بررسی روابط روسیه و چین، همواره مورد توجه کارشناسان روابط بین‌الملل بوده است. در این پرتو، فدراسیون روسیه نیز ابتکار کمربند-جاده را مد نظر قرار داده است و نسبت به آن الگوی رفتاری مشخصی را دنبال کرده است. از این رو، شناخت الگوی رفتاری و رویکرد مسکو در قبال ابتکار کمربند-جاده، محورهای مهمی از پویایی روابط متقابل این دو کشور را نمایان خواهد کرد. پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی رویکرد فدراسیون روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده چین در پرتو راهبرد کلان در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۳ می‌پردازد. براین اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است که الگوی رفتاری فدراسیون روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده چین در بازه زمانی مذکور چگونه قابل تبیین است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد روسیه، کمربند-جاده را طرحی با هدف افزایش نفوذ ژئوپلیتیک چین در دو سطح بین‌الملل و منطقه آسیای مرکزی می‌داند و با پیگیری الگوی رقابت و همکاری در قبال این طرح، به دنبال هماهنگ کردن آن با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و جلوگیری از نفوذ بیش از حد چین در آسیای مرکزی است. روش تحقیق استفاده‌شده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است و برای گردآوری داده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

### واژگان کلیدی:

ابتکار کمربند-جاده چین، فدراسیون روسیه، امنیت ملی، موازنه قوا، واقع‌گرایی تدافعی.

درجه مقاله: علمی- پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹

<sup>۱</sup> دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه mhsheikh@gmail.com

<sup>۲</sup> فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

research2040@hotmail.com

## مقدمه

ابتکار کمربند - جاده، در سال ۲۰۱۳ از سوی رئیس جمهور چین، شی جین پینگ، مطرح شد. این طرح ریشه در منافع و دغدغه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی چین دارد. کمربند-جاده یکی از ابتکارهای اساسی سیاست خارجی چین برای گسترش حوزه نفوذ و تاثیرگذاری خود بر دیگر مناطق است که متکی بر دو بخش طرح "کمربند اقتصادی جاده ابریشم" و "جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱" است. ابتکار مذکور، تقریباً ۶۵ درصد از جمعیت جهان و بیش از ۱۳۰ کشور دنیا را در برمی گیرد (Green Finance & Development Center, 2022). تلاش و اهتمام چین برای پیشبرد چنین طرح‌های عظیمی جدای از آن که می‌تواند آثار و پیامدهای اقتصادی و سیاسی جدی برای این کشور در پی داشته باشد، می‌تواند موجب نقش فعالانه‌تر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سیاست خارجی چین بشود.

از طرفی این ابتکار از زمان مطرح شدن، به یکی از کانون‌های بحث‌های اساسی در محافل آکادمیک و اجرایی در رابطه با چین تبدیل شده است. کشورهای مختلف متناسب با منافع ملی خود، به این طرح کلان واکنش نشان داده اند و رویکرد خاص خود را اتخاذ کرده اند. در این میان فدراسیون روسیه به عنوان یک قدرت در ساختار نظام بین‌الملل، نسبت به چین دارای راهبرد کلان، سیاست خارجی و اصول و راهبردهای مشخصی است. فدراسیون روسیه متناسب با منافع ملی خود، ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی این طرح را مد نظر قرار داده است و رویکرد این کشور در قبال ابتکار کمربند-جاده بخش حائز اهمیتی از مناسبات فدراسیون روسیه با پکن را تشکیل می‌دهد.

**ادبیات پژوهش:** در رابطه با رویکرد روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده چین گزارش‌های تحلیلی وجود دارد. در این رابطه به برخی موارد قابل توجه اشاره می‌شود. مقاله «تاثیر ابتکار کمربند-جاده بر آینده شراکت چین و روسیه در آسیای مرکزی»، پس از تبیین طرح ابتکار کمربند-جاده و بررسی مناسبات چین و روسیه در منطقه آسیای مرکزی که برای هر دو قدرت مهم تلقی می‌شود، به واکاوی تاثیر ابتکار بر مناسبات چین و روسیه در منطقه آسیای مرکزی می‌پردازد (جوزانی کهن و دهشیری، ۱۳۹۷). گزارش «منافع روسیه در سایه روشن کمربند اقتصادی جاده ابریشم»، ابتدا به مفهوم کمربند اقتصادی جاده ابریشم و ابعاد آن پرداخته و پس از آن پوشش جغرافیایی پروژه راه ابریشم مورد بحث قرار می‌دهد. در ادامه انگیزه‌ها و اهداف چین، اهمیت آسیای مرکزی در این طرح، تبیین شده

اند. مزایا طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم چین نسبت به طرح اتحادیه اقتصادی اوراسیا محور دیگر گزارش مذکور است (کرامتی نیا، ۱۳۹۵).

مقاله «کمربند-جاده در روسیه: تکامل گفتمان کارشناسانه، از احتیاط تا رضایت تا ناامیدی»<sup>۱</sup>، ابتدا به طیف‌های رویکرد روسی به این طرح می‌پردازد و پس از آن ماهیت ژئوپلیتیک این طرح، توسعه اجتماعی-اقتصادی در این طرح، چالش تعارض و همراهی در این طرح را مورد بحث قرار می‌دهد. تاکید این مقاله بر آن است که گفتمان روسیه در قبال این طرح چینی، متغیر، نوسانی و چند مولفه‌ای است. با این وجود، محور مشترک این دیدگاه‌ها، توجه ویژه بر مولفه ژئوپلیتیک و ریسک‌های ممکن این طرح است (Gabuev & Zuenko, 2019). مقاله «حاکمیت مشترک چین و روسیه بر اوراسیا»<sup>۲</sup> بر اهمیت اوراسیا به لحاظ ابتکارات همگرایی منطقه‌ای برای روسیه و چین تاکید دارد. در بخش دوم، مقاله تلاش دو قدرت روسیه و چین علی‌رغم رقابت برای نفوذ بیشتر، همسو کردن ابتکار کمربند-جاده و اتحادیه اقتصادی اوراسیا جهت همکاری تبیین شده است. بخش آخر نیز به مزیت طرح چین پرداخته و روابط روسیه و چین را در بستر تحلیلی ژئوپلیتیک دانانی همچون مکیندر<sup>۳</sup> و نیکلاس اسپایکمن<sup>۴</sup> بررسی می‌کند. به نظر می‌رسد، این مقاله رقابت و همکاری چین در اوراسیا را به خوبی تبیین کرده باشد (Rolland, 2019). مقاله «ادراک از کمربند-جاده چین در روسیه: رؤیای اوراسیای متحد یا حلقه آهنین مهار؟»<sup>۵</sup> بیان می‌دارد که ایده جاده ابریشم به رهبری چین، یک چالش برای قدرت برتر روسیه خواهد بود، اما با وجود این، روسیه رویکرد باز برای همکاری مبتنی بر برابری دارد. روس‌ها علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری چینی‌ها هستند اما نگرانی‌ها امنیتی جدی دارند و به این منظور، اندیشمندان روسی گزینه‌های بدیلی برای پروژه‌های چینی که متضمن منافع روسیه باشد، ارائه کرده‌اند. روس‌ها به دنبال ایجاد یک اتحادیه اقتصادی همه جانبه در اوراسیا هستند و اگر همکاری‌ها روسی و چین شکست بخورد، منطقه آسیای مرکزی عرصه تنش این دو قدرت می‌شود (Smirnova, 2018).

<sup>1</sup>. The "Belt and Road" in Russia: Evolution of Expert Discourse from Caution to Euphoria to Disappointment

<sup>2</sup>. A China-Russia Condominium Over Eurasia

<sup>3</sup>. Halford Mackinder

<sup>4</sup>. Nicholas Spykman

<sup>5</sup>. Perception of China's "One Belt, One Road" in Russia: "United Eurasia" Dream or "Iron Circle" of Containment?

با وجود این مقاله‌ها و گزارش‌ها، در میان آنها، گزارشی که در پرتو راهبرد کلان روسیه در قبال چین در بازه زمانی مذکور، به تبیین رویکرد جامع روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده پردازد و از این منظر دلیل و ریشه اتخاذ این نگاه را تبیین کند، یافت نشد. از طرفی بخش قابل توجهی از منابع موجود، حوزه مشخص و محدودی را در رابطه با رویکرد روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده بررسی کرده‌اند و به همین خاطر ارزیابی محدودی ارائه کرده‌اند. براین اساس، مقاله حاضر با در نظر داشتن راهبرد کلان روسیه در قبال چین در بازه زمانی مذکور، بررسی جامع ابعاد رویکرد روسیه و پرداختن به دلیل اتخاذ این رویکرد، حائز نوآوری و جنبه تحلیلی جدیدی است.

پس از پایان جنگ سرد و در هزاره جدید، روسیه درصدد بازسازی قدرت خود برآمده است و در سوی دیگر چین نیز جایگاه و قدرت خود را در سطح منطقه پیرامونی و بین‌المللی افزایش داده است. این موضوع باعث شکل‌گیری قطب‌های جدید قدرت غیرغربی شده است و در نتیجه الگوی جدیدی از روابط میان این دو قدرت شکل گرفته است. با توجه به تهدیدهای راهبردی غرب علیه روسیه که به طور ویژه پس از بحران کریمه در سال ۲۰۱۴ شدت یافت، روابط روسیه و چین وارد مرحله جدیدی شد. در نتیجه، روسیه سیاست نگاه به شرق و به طور ویژه در قبال چین را به صورت جدی در دستور کار خود قرار داد. با وجود این، روسیه از روند قدرت‌یابی فزاینده چین در مجاورت خود و حوزه خارج نزدیک نگران است. در نتیجه مسکو راهبرد کلان خود در قبال پکن را با در نظر داشتن موارد مذکور تنظیم نموده است.

به صورت کلی گفتمان حاکم بر سیاست خارجی روسیه در قبال خارج نزدیک و همسایگان از مکتب اوراسیاگرایی تبعیت می‌کند. از سال ۲۰۰۸، مسئله اوراسیاگرایی در سیاست خارجی روسیه نقش ویژه‌ای پیدا کرد. سند سال ۲۰۰۸ برای روسیه نقش اوراسیایی متصور شده است که زمینه تبدیل این کشور به یک قدرت بزرگ جهانی را در دورنما در نظر می‌گیرد. در این رویکرد ملی‌گرایی نوین، به ایجاد یک هویت ژئوپلیتیک اوراسیایی متمایز با غرب و پررنگ شدن منطق ژئوپلیتیک با توجه به موقعیت جغرافیایی روسیه تاکید می‌شود (علی حسینی و آئینه‌وند، ۱۳۹۴: ۱۱).

همچنین در فصل چهارم سند، مفهوم سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۶، به طور دائم بر اهمیت جایگاه کشورهای مستقل هم‌سود، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و کشور اوکراین به مثابه اولولیت‌های اصلی منطقه‌ای سیاست خارجی روسیه تاکید شده است. طبق

این سند، هدف تعمیق و گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیایی نیز به منظور توسعه پایدار، نوسازی همه جانبه فناوری، همکاری و افزایش رقابت پذیری کشورهای عضو این اتحادیه است (سند مفهوم سیاست خارجی روسیه، ۱۳۹۵).

شناخت الگوی رفتاری فدراسیون روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده چین باعث فهم بهتر الگوی حاکم بر مناسبات دو کشور و به تبع آن فهم بهتری از پویایی‌های روابط قدرت‌های بین‌المللی می‌شود.

نظر به اهمیت این موضوع، سوال اصلی که در این مقاله مطرح می‌گردد این است که با در نظر داشتن راهبرد کلان فدراسیون روسیه در قبال چین، الگوی رفتاری روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده چگونه قابل تبیین است؟

در این راستا، فرضیه‌ای که مطرح می‌گردد، این است که روسیه، کمربند-جاده را طرحی با پیامدهای ژئوپلیتیک می‌داند و با پیگیری الگوی رقابت و همکاری در قبال این طرح، به دنبال هماهنگ کردن آن با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و جلوگیری از نفوذ بیش از حد چین در آسیای مرکزی است.

**چارچوب نظری:** باتوجه به آن که سطح تحلیل پژوهش حاضر، سطح تحلیل کلان است و با توجه به الگوهای رفتاری مورد بررسی، چارچوب نظری این پژوهش، نواقعی گرایانه تدافعی انتخاب می‌گردد.

نواقعی‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری که کنت والتز<sup>۱</sup> در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل»، تدوین کرد بر اصول و مفروضه‌های خاصی در تحلیل پدیده‌های روابط بین‌الملل استوار است. هدف واقع‌گرایی ساختاری، کنار گذاشتن ویژگی‌های مربوط به ماهیت بازیگران به منظور برجسته کردن اثر تحدید کننده ساختار نظام بین‌المللی است که بازیگران را احاطه کرده است. گرچه همانند واقع‌گرایی کلاسیک بر دولت محوری، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل به معنای نبود حکومت و اقتدار مرکزی و نظم سلسله‌مراتبی، تصمیم‌گیری بر مبنای هزینه-فایده توسط کنش‌گران تاکید دارد.

نواقعی‌گرایی، برخلاف واقع‌گرایی کلاسیک، نظریه‌ای در سطح تحلیل کلان است و نظریه‌ای نظام محور است که استدلال می‌کند سیاست بین‌الملل را می‌توان به صورت نظامی که دارای ساختار دقیق و مشخص است، تلقی و تعریف کرد. ساختار نظام بین‌الملل بر حسب توزیع قدرت و توانایی‌های مادی بین واحدهای تشکیل دهنده آن و چگونگی آرایش و

---

<sup>۱</sup>. Kenneth Waltz

چینش آن‌ها تعریف می‌شود. در این راستا، نواقع‌گرایی برای تحلیل سیاست خارجی به بازیگران فروملی و دسته بندی‌های داخلی نمی‌پردازد.

مفهوم قدرت در واقع‌گرایی ساختاری نیز مانند واقع‌گرایی کلاسیک، یک مفهوم کانونی و کلیدی برای تحلیل روابط بین‌الملل است. اما قدرت طلبی، برخلاف اندیشه واقع‌گرایی کلاسیک، اولاً از سرشت انسان نشأت نمی‌گیرد، بلکه ناشی از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل است. ثانیاً، قدرت به خودی خود یک هدف نیست، بلکه ابزار و وسیله‌ای است برای تامین امنیت و تضمین بقاء در نظام بین‌الملل که فاقد ساختار اقتدار مرکزی و سلسه مراتبی است.

مفهوم موازنه قوا در نواقع‌گرایی همچون واقع‌گرایی کلاسیک، مفهومی کانونی و محوری است. ولی از نگاه نواقع‌گرایان، برخلاف استدلال واقع‌گرایی کلاسیک، همواره به صورت ارادی و با هدف موازنه‌سازی اتحاد و اعمال نمی‌شود، بلکه غالباً موازنه قوا در اثر و نتیجه قدرت‌طلبی کشورها برای تامین امنیت و بقاء حاصل می‌شود، به گونه‌ای که وقتی یک کشور یا ائتلافی از آن‌ها قدرت خود را افزایش می‌دهد ناخواسته امنیت دیگر کشورها را تهدید کرده و کاهش می‌دهد. این شرایط نهایتاً به یک توازن قدرت می‌انجامد که کشورها در آن احساس امنیت نسبی می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۲۳۲-۲۳۴).

همه نواقع‌گرایان اتفاق نظر دارند که منبع اصلی ارجحیت کشورها برای تامین امنیت ملی، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل است که آنان را به کسب قدرت برمی‌انگیزد، به گونه‌ای که کشورها عمیقاً به موازنه قوا و قدرت خود در مقایسه با سایر کشورها توجه و حساسیت دارند. از این رو، رقابت شدیدی بین کشورها برای کسب قدرت به قیمت از دست دادن آن توسط رقبا یا دست کم اطمینان از حفظ قدرت موجود، وجود دارد. این رقابت تنگاتنگ بر سر قدرت ناشی از آن است که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل گزینه‌های بدیل کشورهای خواهان بقا و امنیت‌طلب را بسیار محدود می‌سازد. با این حال، واقع‌گرایان ساختاری در مورد میزان قدرت لازم و کافی برای تامین امنیت ملی و چگونگی آن اختلاف نظر دارند و به دو دسته تدافعی و تهاجمی تقسیم می‌شوند. همچنین آنان در خصوص رفتار عقلانی کشورها و نسبت بین نظریه سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی نیز اتفاق نظر ندارند.

دیدگاه‌های مختلفی در مورد مصادیق واقع‌گرایان ساختاری تدافعی وجود دارد. برپایه دیدگاه مشهور، بارزترین واقع‌گرایی ساختاری تدافعی نظریه سیاست بین‌الملل کنت والتز است. نمونه‌های دیگر واقع‌گرایی ساختاری تدافعی، نظریه‌هایی است که نظریه پردازانی چون

رابرت جرویس<sup>۱</sup>، جک اسنایدر<sup>۲</sup>، استفن والت<sup>۳</sup>، بری پوزن<sup>۴</sup> و استفن ون اورا<sup>۵</sup> ارائه داده‌اند. بیشتر این نظریه‌ها تلاشی در چارچوب نوواقع‌گرایی برای تکمیل نظریه والتز ساخته و پرداخته شده‌اند. از این رو، نوواقع‌گرایان تهاجمی چون میرشایمر<sup>۶</sup> نظریه خود را در مقابل و مقایسه با نظریه والتز ارائه داده‌اند.

والتز استدلال می‌کند که کشورها به شدت به جایگاه خود در موازنه قوا اهمیت می‌دهند. به ویژه، آنان درصدد هستند تا به نوعی از رقبای بالقوه خود قدرتمندتر باشند، چون این برتری و مزیت قدرت چشم انداز امنیت و بقای آنان را بیشینه می‌سازد. از این رو، کشورها تلاش و تقلا می‌کنند تا قدرت را به قیمت از دست دادن آن از سوی رقبا به دست آورند، ولی تامین این هدف از راه جنگ و تهاجم، عاقلانه و هوشمندانه نیست. آغاز جنگ و توسعه طلبی اشتباه و غیرعقلانی است. جنگ و نیروی نظامی برای حفظ وضع موجود سودمند است، نه برای تغییر و برهم زدن آن. بنابراین اگرچه کشورها در پی افزایش قدرت خود هستند ولی مهمترین هدف آن‌ها جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و برهم خوردن موازنه قدرت به ضررشان است. اولین دغدغه کشورها بیشینه‌سازی قدرت نیست بلکه حفظ جایگاهشان در نظام بین‌الملل است. راهبرد کشورها برای مقابله با تلاش و اقدام رقبا و دشمنان برای افزایش قدرتشان موازنه‌سازی است. کشورهایی که احساس تهدید می‌کنند از طریق موازنه‌سازی درون‌گرا، یعنی تقویت و افزایش توانایی‌های خود، یا موازنه‌سازی برون‌گرا، در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های نظامی به مقابله با کشور برهم زننده موازنه قوا برمی‌خیزند. در نتیجه، کشورهای توسعه طلب به شدت از سوی سایر کشورها نظارت و کنترل می‌شوند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۲۳۵-۲۳۸).

واقع‌گرایان ساختاری تدافعی، به سه دلیل پیگیری هدف بیشینه‌سازی قدرت برای دستیابی به هژمونی جهانی و منطقه‌ای را، راهبردی نادرست می‌پندارند. اول، همان گونه که والتز استدلال می‌کند، بیشینه‌سازی قدرت و هژمونی یک کشور باعث مقابله سایر کشورها در چارچوب موازنه‌سازی برون‌گرا و درون‌گرا می‌شود که آن را ناامن و حتی نابود می‌سازد. دوم، سهولت و صعوبت توسعه طلبی و تهاجم بر مبنای تعادل یا موازنه تهاجم-تدافع سنجیده و برآورد می‌شود. این موازنه نشان می‌دهد که آیا امکان شکست کشور مدافع و موفقیت و

---

1. Robert Jervis

2. Jack Snyder

3. Stephen Walt

4. Barry Posen

5. Stephen Van Evera

6. John Mearsheimer

سودمندی تهاجم وجود دارد یا نه. به نظر نواقع گرایان تدافعی، موازنه تهاجم-تدافع معمولاً به شدت به نفع کشور مدافع سنگینی می‌کند، به گونه‌ای که هر کشوری تلاش کند قدرتش را به میزانی بیش از آنچه برای تامین امنیتش نیاز دارد، افزایش دهد درگیر جنگ‌های بازنده خواهد شد. از این رو کشورها به بیهودگی و بی‌اثری تهاجم واقف هستند و به جای آن بر حفظ جایگاه و موقعیت خود در موازنه قوا تاکید و تمرکز خواهند کرد. در صورتی که کشورها مجبور به تهاجم نیز بشوند اهداف محدودی خواهند داشت. سوم، نواقع‌گرایان تدافعی استدلال می‌کنند که توسعه طلبی و تهاجم حتی در صورت امکان نیز سودمند و به صرفه نیست. چون هزینه‌های توسعه طلبی و تهاجم در مقایسه با منافع و فواید آن بیشتر است. شرایط و واقعیت‌های نظام بین‌الملل آنارشیستیک که توسعه طلبی و پیشینه‌سازی قدرت را سخت و دشوار می‌سازد، شهوت و اشتباهی قدرت طلبی کشورها را محدود و مقید می‌سازد. در غیر این صورت و بی‌توجهی به این واقعیت‌های خطیر، بقاء و امنیت کشورها به خطر خواهد افتاد. چون همه کشورها این منطق را درک می‌کنند و برپایه آن عمل می‌کنند، رقابت امنیتی و کشمکش بر سر پیشینه‌سازی قدرت از طریق توسعه طلبی و جنگ کاهش می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۵، ۲۳۸-۲۳۵).

#### ۱. راهبرد کلان فدراسیون روسیه در قبال چین (۲۰۲۰-۲۰۱۱)<sup>۱</sup>

روند قدرتمندی چین برای روسیه که یکی از بازیگران قدرتمند بین‌المللی است و در حوزه‌های منطقه‌ای نیز به این کشور نزدیک است، آثار و پیامدهای مهمی دارد. روسیه سرزمینی گسترده از اروپای شرقی تا شرق دور است و مرزی طولانی در حدود ۵ هزار کیلومتر و مناطقی آسیب‌پذیر در همسایگی با چین دارد. شرق دور در روسیه به عنوان سرزمینی گسترده، کم‌جمعیت و توسعه‌نیافته در معرض خطرهای اجتماعی، امنیتی و سرزمینی قرار دارد. از طرفی قدرتمندی، نفوذ و حضور منطقه‌ای چین در آسیای مرکزی هم به تدریج نفوذ و موقعیت منطقه‌ای کرملین را به چالش می‌کشد. اما در همان حال، قدرتمندی چین می‌تواند ساختار نظام بین‌المللی را متکثر و چندقطبی کند و با هدف قرار گرفتن برای غرب، فرصت‌هایی را برای روسیه ایجاد کند (کرمی و کریم‌خانی، ۱۴۰۱: ۲۷۰).

در سال‌های اخیر مسکو تلاش کرده است با استفاده از موضوع همکاری خود با پکن، از احتمال شکل‌گیری بلوک چین و روسیه به عنوان اهرم فشار استفاده کند با این هدف که

<sup>۱</sup>. Russia's Grand Strategy towards China



آن‌ها را مجبور به تعدیل سیاست خود در برابر روسیه کند (Gabuev, 2020:6). طبیعی است که محور مسکو و پکن تا حدی اثر تحریم‌های غرب علیه روسیه را تضعیف می‌کند. روسیه پیش از بحران اوکراین در حال گسترش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری خود با آسیا و اقیانوسیه و به ویژه چین بود که تحریم‌های غرب این روند را تسریع کرد (Gabuev, 2021: 7). براساس گزاره‌های نظریه واقع‌گرایی تدافعی قدرت چین و مجاورت جغرافیایی با روسیه بدون خطر نخواهد بود و باید روسیه نگران این پدیده و آینده آن و تلاش برای تمهیدات لازم در این زمینه باشد. مجموعه اقدامات چین در منطقه اوراسیا باعث برانگیخته شدن نگرانی‌های رقابتی روسیه شده است (واعظی و خزایی، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

روابط روسیه و چین که در دوره اتحاد شوروی کاهش یافته بود، در دهه ۱۹۹۰ از سرگرفته شد و در دوره پوتین از سال ۲۰۰۰، روند جدید را دنبال نمود و چارچوب جدیدی به عنوان مشارکت راهبردی شکل گرفت. در نتیجه، روسیه برای چین پشتوانه راهبردی قابل اعتماد و منبع مواد اولیه و انرژی و چین نیز برای روسیه همسایه‌ای خوب، منبع درآمد مالی و شریکی ارزشمند در صحنه بین‌الملل محسوب می‌شود (Trenin, 2013: 15-17).

پویایی‌های روابط پکن و مسکو در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی حاکی از تلاش مشترک دو کشور برای ارتقای روابط و همسویی جهت تامین منافع مشترک و دفع تهدیدات مشترک است. شکل‌گیری نهادها و همکاری در پرتو سازمان همکاری شانگهای، بریکس، همکاری در شورای امنیت، مواضع مشترک قابل توجه در رابطه با موضوعات بین‌المللی و برگزاری مانورهای نظامی مشترک نشانگر این روند است.

از نگاه روس‌ها و مشخصاً شخص پوتین، موازنه قوا در سیاست بین‌الملل از ارکان ثبات و امنیت بین‌الملل محسوب می‌شود. پس از بحران اوکراین، روسیه چرخش به آسیا و گسترش همکاری با کشورهای آسیایی از جمله چین را در دستور کار خود قرار داد. از نگاه روس‌ها، در مثلث قدرت‌های آمریکا، روسیه و چین، آمریکا و نظم بین‌الملل تحت سلطه آن در اولویت تهدید قرار دارد و اگرچه میان روسیه و چین، عدم تقارن قدرت وجود دارد، چین نسبت به آمریکا تهدید کوتاه مدت و میان مدت محسوب نمی‌شود. به همین خاطر در جهت موازنه قوا، روسیه و چین به دنبال ائتلاف راهبردی در برابر تهدید مشترک آمریکا هستند. این در حالی است که در دوران جنگ سرد، منطق حاکم بر این مثلث قدرت آن بود که آمریکا و چین، اتحاد جماهیر شوروی را به عنوان تهدید فوری و مشترک مد نظر قرار دادند و با ائتلاف با یکدیگر به مقابله و موازنه در برابر آن اقدام نمودند. اما پویایی‌های سیاست

بین‌الملل در حال حاضر منطق جدیدی را در مثلث قدرت‌ها، ایجاد کرده است و آن این است که این بار، آمریکا در راس تهدید مشترک و فوری قرار گرفته است.

روسیه به دنبال یک سیاست خارجی موازنه‌ای دوسویه با چین و غرب در یک نظام بین‌الملل چندقطبی است، اما به دلیل رقابت ژئواستراتژیک با غرب و مشکلات ناشی از بحران اوکراین، سپر موشکی و گسترش ناتو در محیط منطقه‌ای و به ویژه مسئله اوکراین، ناگزیر به هم‌سویی با چین و ایجاد یک موازنه تدریجی جایگزین برآمده است. بنابراین مسکو سیاست چندگانه‌ای را در برابر امکان جابه‌جایی قدرت در نظام بین‌المللی درپیش گرفته است و برای توازن بخشی به تهدیدهای غرب، در حال حاضر از پدیدار شدن چین استقبال کرده است (کریمی و کریم‌خانی، ۱۴۰۱: ۲۶۱).

## ۲. رویکرد فدراسیون روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده چین

بررسی‌ها حاکی از آن است که در ابتدای مطرح شدن ابتکار کمربند-جاده، روسیه با بدبینی به این اقدام چین نگریست و آن را گامی از سوی چین برای گسترش نفوذ در حیات خلوت روسیه، برداشت کرد، اما سپس به تدریج متأثر از تحولات و پویایی‌های نظام بین‌الملل و روابط روسیه و چین، مسکو وارد این طرح و یکی از پشتیبانان آن شد.

گزارش‌های اندیشکده‌های مطرح روسیه همچون موسسه والدای<sup>۱</sup>، شورای امور بین‌الملل روسیه (رایاک)<sup>۲</sup>، موسسه کارنگی مسکو و سایر مراکز مطالعاتی در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰، حاکی از آن است که اتاق‌های فکر سیاستگذاری مسکو به دنبال همگرایی راهبردی خود با کلید واژه «مشارکت اوراسیایی بزرگ تر»<sup>۳</sup> با ابتکار کمربند-جاده جهت تامین منافع ملی روسیه و تعمیق همکاری با چارچوب مد نظر خود است و در این زمینه تولید محتوا و ادبیات در دستور کار اتاق‌های فکر<sup>۴</sup> است. در واقع تحلیل‌های موجود حاکی از رویکرد میان مدت و بلند مدت کارشناسان روس به ابتکار کمربند-جاده و ارتقا سطوح همکاری مسکو با پکن در چارچوب مشخص است. در حال حاضر علاوه بر محورهای همکاری به ابعاد ژئوپلیتیکی و ریسک‌های محتمل ابتکار در محافل روسیه نیز، توجه و تاکید می‌شود.

بررسی علت و روند تغییر رویکرد روسیه نسبت به این ابتکار، حائز اهمیت است. چه عواملی باعث می‌شود که علی‌رغم نگاه منفی و محتاطانه اولیه روسیه نسبت به ابتکار

1. Valdai Club

2. Russian International Affairs Council (RIAC)

3. Greater Eurasian Partnership (GEP)

4. Think Tanks

کمربند-جاده، این کشور تصمیم به همکاری و ورود به این ابتکار در چارچوب منافع ملی خود نماید، شایان ارزیابی است. برای پاسخ به این موضوع، دو نکته باید مورد توجه قرار گیرد: نخست در بعد سلبی، که روسیه از سال ۲۰۱۳ با مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی که ناشی از تحریم‌های غرب و نیز کاهش قیمت‌های نفت صورت گرفته، روبه‌رو بوده است. در واقع هرچند که روسیه در بحران اوکراین و سوریه دست بالا را داشته است، اما به دلیل مخالفت اتحادیه اروپا و آمریکا با رویکرد روسیه در بحران اوکراین، با انزوای بین‌المللی رو به رو شده است، دوم، در بعد ایجابی، یکی از هدف‌های اصلی روسیه که از گفته‌های مقام‌ها و بررسی سیاست‌های روسیه به دست می‌آید، رویکرد «چند جانبه‌گرایی» در سیاست خارجی و مخالفت با اقدام‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در سیاست بین‌الملل است، ولی برای تحقق این هدف و ایستادن در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا، روسیه باید قدرت خود را با قدرت دیگر کشورهای قدرتمند تجمیع کند. به دنبال فشارها و تحریم‌های غرب علیه روسیه پس از بحران اوکراین و پدید آمدن مشکلات اقتصادی و انزوای سیاسی، روسیه تصمیم گرفت با مشارکت در طرح نوین چین، از تنگنای اقتصادی و سیاسی خود بکاهد. تنها در سه ماهه نخست سال ۲۰۱۴، و در نتیجه تعویض روبل با ارزهای خارجی، بیش از ۶۳ میلیارد دلار سرمایه از این کشور خارج شد. بانک مرکزی روسیه کاهش تولید ناخالص داخلی کشور را منفی ۵.۱ درصد اعلام کرد. بنابر آمار بانک مرکزی روسیه، مجموع برون رفت سرمایه در سال ۲۰۱۴، ۱۵۱ میلیارد دلار بوده که در نوع خود بی‌سابقه است. مسئله دیگر، تلاش چین برای جذب روسیه به طرح راه ابریشم بوده است. الکساندر لوکین<sup>۱</sup>، پژوهشگر برجسته روس نیز درباره انگیزه‌های چین از امتیاز دادن به روسیه، می‌گوید هدف رهبری چین از پشتیبانی روسیه در این طرح، نشان دادن اتحاد دو کشور در زمینه مخالفت با هژمونی غرب است (تیشه یار و بخشی، ۱۳۹۹: ۴۳۵-۴۳۴). ترینین<sup>۲</sup>، کارشناس ارشد موسسه کارنگی مسکو، معتقد است یکی از علت‌های اصلی استقبال روسیه از این طرح این است که روسیه در سال‌های اخیر، بیشتر به ایده «آسیای بزرگ تر» علاقه مند شده است تا «اروپای بزرگ تر» (Trenin, 2015).

روسیه همچنین طرح گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا<sup>۳</sup> را در راستای هماهنگ نمودن با ابتکار کمربند-جاده، دنبال نموده است. بنابراین، در پاسخ به علت تغییر رفتار روسیه

---

<sup>1</sup>. Alexander Lukin

<sup>2</sup>. Trenin

<sup>3</sup>. Eurasian Economic Union (EAEU)

نسبت به ابتکار کمربند-جاده، می‌توان بیان نمود که مسکو برای رهایی از فشارها و مشکلات اقتصادی و نیز برای تحقق چندجانبه‌گرایی در سیاست بین‌الملل، با ابتکار کمربند-جاده موافقت کرد.

الکساندر گابویف<sup>۱</sup> اعلام کرده است که مشارکت روسیه در «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» فرصتی برای جذب سرمایه‌گذاری در راستای توسعه زیرساخت‌های داخلی روسیه است که در نهایت فرصت‌های شغلی، درآمدهای مالیاتی و شاهراه‌های ترانزیتی عظیمی را در روسیه پدید می‌آورد و روسیه یکی از بازیگران غالب و پیروز در این میدان خواهد بود (کرامتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۵).

باوجود بدبینی و احتیاط ابتدایی روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده، چین طرح‌های خود را قدری تعدیل کرد و امتیازهایی به روسیه داد تا حساسیت‌های این کشور را کمتر کند. برای نمونه، «مسیر شمالی» چین به اتحادیه اروپا، که از روسیه می‌گذرد، جزئی از طرح راه ابریشم شناخته شد یا خط راه آهن ترانس-سیبری<sup>۲</sup> و خط راه آهن بایکال-آمور<sup>۳</sup> به عنوان بخشی از راه ابریشم مطرح شدند. چین در این زمینه دو کار انجام داد: نخست این که کوشید تا طرح خود را بیشتر در قالب جهانی نشان دهد و نه منطقه‌ای تا به این صورت نگرانی روسیه را از دست‌اندازی این کشور به حوزه نفوذ روسیه، کاهش دهد. به عنوان نمونه، هدف از این طرح را توسعه آسیا و کمک به اقتصاد جهان معرفی می‌کند. دیگر این که، چین در طرح‌های نوین خود به روسیه بیشتر توجه کرده تا منافع این کشور را نیز در نظر بگیرد و به این کشور اجازه دهد از مزایای اقتصادی و اعتباری آن بهره‌مند شود (تیشه‌یار و بخشی، ۱۳۹۹: ۴۳۴-۴۳۵).

برای کشورهای در مسیر حمل و نقل کمربند اقتصادی جاده ابریشم، از جمله روسیه، جاده ابریشم به خاطر پیوستگی درون منطقه‌ای از جمله زیرساخت‌ها و امور تجاری و مالی حائز اهمیت است و آینده مناطقی از روسیه همچون منطقه کوهستانی اورال، سیبری و شرق دور به طور مهمی بستگی به دسترسی به بازارها دارد. از نگاه روسیه، ابتکار به سرمایه‌گذاری در مراکز در حال رشد صنعتی داخلی کمک می‌کند و باعث گنجاندن شبکه‌های نوآورانه صنعتی و کشاورزی در اقتصادی بین‌المللی می‌شود. اگر این ابتکار به توسعه مراکز

<sup>۱</sup>. کارشناس امور بین‌الملل در موسسه کارنگی مسکو

<sup>۲</sup>. Trans-Siberian Railway

<sup>۳</sup>. Baikal-Amur Railway (BAM)

تولید رقابتی و نوآورانه مد نظر روسیه کمک کند و فرصتهایی برای تجارت‌های کوچک و متوسط ایجاد نماید، روسیه بیشترین منفعت را از این ابتکار کسب می‌کند.

هدف روسیه این است که با نوسازی دو خط قطار ترانس-سبیری و بایکال-آمور، جایگاه ترانزیتی و ترابری خود را در مسیر شرق به غرب را در مقایسه با مسیر دریایی کانال سوئز تقویت کند. هرچند که بخشی از طرح «مسیر شمالی» چین نیز از روسیه می‌گذرد، این طرح در مقایسه با مسیر فراسبیری سهم بسیار کمتری برای روسیه قائل است، بنابراین درآمدها و نقش حمل و نقل کالا از روسیه بسیار کاهش می‌یابد (Gabuev, 2016: 64-66).

در یک نگاه کلی، مزیت‌های ابتکار کمربند-جاده برای روسیه را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱- این ابتار به خودی خود، یک فرصت تجاری مناسب است. با توجه به تحریم اقتصادی غرب علیه روسیه خصوصاً پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، همکاری اقتصادی با ثبات و بلند مدت با چین فرصت مناسبی برای اقتصاد روسیه تلقی می‌شود. هرچند روسیه در تلاش است تا با کشورهای دیگر همچون هند و کشورهای آسه آن روابط اقتصادی خود را تعمیق و گسترش دهد.

۲- ارتقای کارایی اقتصادی ملی روسیه در حوزه ترانزیت.

۳- ابتکار می‌تواند باعث جذب سرمایه‌گذاری چینی در روسیه می‌شود.

۴- ابتکار، این ظرفیت را دارد که منجر به کاهش یکجانبه‌گرایی آمریکا در نظام بین‌الملل از طریق تغییر در نظم بین‌الملل شود، که پیش‌تر به آن اشاره شد. از این جهت، تاحدی که چین نیز تبدیل به هژمون، خصوصاً در منطقه آسیای مرکزی، نشود، این موضوع در راستای منافع روسیه ارزیابی می‌شود. ساختارهای چندجانبه، نُرْم‌ها و استانداردهای در حال تدوین ذیل ابتکار کمربند-جاده، که در آن‌ها آمریکا الزاماً در مرکزیت قرار ندارد، شاهد مثالی از این موضوع است.

۵- با توجه به همکاری‌های توسعه‌ای و اقتصادی چین ذیل ابتکار با کشورهای آسیای مرکزی، توسعه این منطقه باعث توسعه اقتصادی کشورها، کاهش مهاجرت کنترل نشده به روسیه و کاهش افراط‌گرایی اسلامی می‌شود و از این جهت برای روسیه مثبت ارزیابی می‌شود (Vinokurov, 2019).

۶- باتوجه به تلاش چین برای گسترش جایگاه یوآن به عنوان ارز بین‌المللی ذیل ابتکار کمربند-جاده و افزایش ذخایر ارزی یوان در کشورهای دیگر، انعقاد توافق نامه‌های

مبادلات ارزی، روسیه این موضوع را تلاشی جهت کاهش نقش دلار در تعاملات بین‌المللی و در نتیجه تضعیف یکی از ارکان قدرت بین‌المللی آمریکا می‌داند و در راستای منافع خود تلقی می‌کند.

دو مشکل عمده روسیه با ابتکار در حوزه‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی است. روسیه خواهان سرمایه‌گذاری بیشتر چینی‌ها در صنایع با فناوری بالا<sup>۱</sup> و با بیشینه بومی‌سازی تولید و استفاده از منابع داخلی روسیه است. در حالی که چینی‌ها به دنبال استفاده از ظرفیت‌های تولید مازاد اعم از منابع و نیروکار خود در پروژه‌های ابتکار از جمله در داخل روسیه هستند. در این راستا می‌توان به اظهارات سفیر روسیه در چین، آندری دنیسوف<sup>۲</sup> اشاره کرد:

«چین با شرکایی که از پروژه‌های تمام چرخه چینی<sup>۳</sup> استفاده می‌کنند، کار را به صورت روان و سریع پیش می‌برد. ... ما (روسیه) نیازی به این، (پروژه‌های تمام چرخه چینی) نداریم به این خاطر که ما فناوری خودمان را داریم و ما هیچ کاری را به ضرر خودمان انجام نمی‌دهیم. باید یک رویکرد متفاوت داشت: با دقت ارزیابی کرد و بعد عمل کرد. بنابراین ما در حال حاضر در حال ارزیابی هستیم. روسیه کاری را نخواهد کرد که به نفعش نباشد.» (Gabuev & Zuenko, 2018: 155-157).

نکته دیگر آن که روسیه این طرح را دارای ابعاد ژئوپلیتیکی، خصوصا در خارج نزدیک خود تلقی می‌کند. هنگامی که چین در کشورهای خارج نزدیک روسیه بر بخش‌های زیرساختی و مالی اعم از خطوط انرژی، بانک، بیمه، معدن و غیره به طور کامل مسلط شود، در عمل بر این کشورها مسلط شده است و جایی برای کنشگری روسیه باقی نمی‌ماند.

تحلیلگران مهمی همچون ترینین<sup>۴</sup>، ووکرسنسکی<sup>۵</sup> مسئله نزدیک نبودن روسیه و چین و نیز وابستگی گسترده روسیه به چین را از تهدیدهای اصلی ابتکار کمربند-جاده برای روسیه می‌دانند. تحلیلگران دیگری همچون واسیلیف<sup>۶</sup>، ولوشین<sup>۷</sup> و خارامچیخین<sup>۸</sup> مدعی هستند که

1. High Tech

2. Andrei Denisov

3. Full Cycle Projects

منظور از پروژه‌های تمام چرخه چینی این است که از ابتدا طرح تا انتهای آن را چینی‌ها طراحی و اجرا نمایند، از جمله استفاده از فناوری، مواد، کارگران، و سایر منابع چینی.

4. Trenin

5. Voskresenski

6. Vasiliev

7. Voloshin

8. Khranchikhin

که ظهور چین و طرح گسترده این کشور می‌تواند امنیت و حاکمیت ملی روسیه را با تهدید روبرو کند (تیشه یار و بخشی، ۱۳۹۹: ۴۳۲).

اِوگنی وینوکوروف<sup>۱</sup> کارشناس اقتصادی بنیاد اوراسیا برای ثبات و توسعه<sup>۲</sup>، موارد ذیل را به عنوان نگرانی و ملاحظات روسیه در قبال ابتکار کمربند-جاده بیان می‌نماید:

- ۱- نگرانی درباره ثبات سرمایه‌گذاری چینی‌ها در روسیه.
- ۲- افزایش سطح بدهی کشورهای آسیای مرکزی به چین و احتمال تبدیل آن به اهرم فشار و نفوذ در این منطقه.
- ۳- رقابت با قزاقستان در زمینه مسیر ترانزیتی مرکزی یا شمالی کمربند اقتصادی جاده ابریشم: مسیر ترانزیتی مرکزی: قزاقستان-قفقاز-اروپا، مسیر ترانزیتی شمالی: قزاقستان-روسیه-اروپا یا چین-روسیه-اروپا (Vinokurov, 2019).

**۳. ابتکار کمربند-جاده و آینده شراکت راهبردی روسیه و چین در آسیای مرکزی**

آسیای مرکزی یکی از مناطقی است که به طور گسترده در طرح ابتکار کمربند-جاده، مدنظر چین قرار گرفته و از طرف دیگر به واسطه رویکرد اوراسیاگرایی حاکم بر سیاست خارجی فدراسیون روسیه، جایگاه ویژه‌ای در دکترین امنیت ملی و سیاست خارجی مسکو دارد. بنابراین ابتکار کمربند-جاده، تاثیر قابل توجهی بر روابط مسکو و پکن به صورت دوجانبه و منطقه‌ای دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

یکی از مناطق جغرافیایی حائز اهمیت در طرح ابتکار کمربند-جاده، آسیای مرکزی است. این طرح نقطه عطفی در شکل دهی به نظم منطقه‌ای اقتصادی در کنار سایر ترتیبات منطقه‌ای موجود مانند سازمان همکاری شانگهای است. این منطقه مورد توجه گسترده چین و روسیه برای شکل دهی نظم جدید و شراکتی راهبردی میان دو کشور با هدف جلوگیری از گسترش نفوذ ایالات متحده آمریکا و تضعیف نظم بین‌الملل غربی است. این منطقه به لحاظ جایگاه تاریخی و هویتی، حوزه نفوذ سنتی روسیه در عرصه‌های امنیتی و اقتصادی تلقی می‌شود. روسیه به کنترل مسیرهای مهم صادراتی و بازار اقتصادی در این منطقه نظارت دارد هرچند که سرمایه‌گذاری و نفوذ اقتصادی چین تاحدی این نظارت را کاهش داده است. از طرف دیگر تعامل اقتصادی چین با منطقه آسیای مرکزی به ایجاد ثبات و به ویژه ثبات اقتصادی در این منطقه کمک می‌کند (Rumer, 2017: 24).

<sup>1</sup>. Evgeny Vinokurov

<sup>2</sup>. Eurasian Fund for Stabilization and Development

در آغاز ورود چین به منطقه آسیای مرکزی به عنوان بازیگری با ظرفیت‌های عظیم اقتصادی، این امکان که توانایی برهم زدن توافق‌ها و نهادهای منطقه‌ای را داراست، به عنوان نگرانی از سوی مقام‌های روسیه قلمداد شد. با این حال چین با مدنظر قرار دادن نگرانی‌های روسیه، سعی در برطرف‌سازی آن‌ها و ایجاد چارچوبی مشترک برای تامین منافع ملی روسیه در این طرح اقدام کرده است (جوزانی کهن و دهشیری، ۱۳۹۸: ۴۵).

به رغم تردید روسیه نسبت به عملکرد چین در راستای ابتکار کمربند-جاده در آسیای مرکزی، نظر به تحریم‌های اقتصادی غرب علیه روسیه و فشارهای ایالات متحده آمریکا به چین در منطقه آسیای شرقی، طرح مذکور زمینه نزدیکی و همگرایی روبرو روسیه و چین را در حوزه‌های مشترکی در آسیای مرکزی فراهم می‌کند.

رویکرد روسیه به بخش مربوط به آسیای مرکزی کمربند-جاده شامل سه مولفه است: ۱. همگرایی منطقه‌ای در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۲. ترکیب همکاری اقتصادی و امنیتی در چارچوب سازمان همکاری شانگهای ۳. هماهنگی نظامی در چارچوب سازمان معاهده امنیت دسته جمعی (که ائتلاف نظامی رسمی اگرچه ضعیف میان روسیه و پنج کشور سابق اتحاد جماهیر شوروی است). روسیه به سازمان همکاری شانگهای که چین نیز عضو آن می‌باشد به عنوان بستر اصلی برای هماهنگی با چین نگاه می‌کند.

طبق تحقیق و بررسی صورت گرفته، الگوی رفتاری و رویکرد فدراسیون روسیه نسبت به ابتکار کمربند-جاده در منطقه آسیای مرکزی، از الگو همکاری و رقابت پیروی می‌کند. در ادامه به توضیح این الگو رفتاری پرداخته می‌شود.

عوامل همگرایی روابط دو کشور در منطقه آسیای مرکزی ذیل کمربند-جاده در این منطقه جغرافیایی به همکاری آن‌ها برای ارائه پاسخ معتبر به تهدیدات و نگرانی‌های مشترک برمی‌گردد. در آسیای مرکزی، منافع امنیتی روسیه و چین بیش از هر منطقه دیگر همپوشانی دارد، اگرچه روسیه و چین بر سر منابع انرژی و فرصت‌های اقتصادی و تجاری در آسیای مرکزی با یکدیگر رقابت دارند. با این وجود دو کشور، در قالب ابتکار کمربند-جاده در زمینه از بین بردن عوامل و منابع ناامنی و بی‌ثباتی همکاری می‌کنند. فرایندهای چندجانبه و همکاری جویانه در قالب ابتکار کمربند-جاده، از جمله پروژه‌های مشترک اقتصادی-صنعتی، زیرساختی و همکاری‌های مالی به چین و روسیه فرصت همکاری را برای تاثیرگذاری بر سیاست‌های منطقه‌ای به ویژه در آسیای مرکزی می‌دهد. منطقه آسیای مرکزی دارای بسترهای مساعد خشونت‌گرایی و گسترش گروه‌های تروریستی است. چین و



روسیه در مورد گسترش گروه‌های تروریستی نظیر داعش در آسیای مرکزی ابراز نگرانی کرده اند (Rumer, 2017: 32).

پیوندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فدراسیون روسیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی، حاکی از حساسیت این منطقه برای فدراسیون روسیه است. گسترش ناتو به شرق، قاچاق مواد مخدر، توسعه و گسترش فعالیت‌های تروریستی در منطقه آسیای مرکزی و همچنین یکجانبه‌گرایی آمریکا از جمله مهم‌ترین چالش‌های مشترک روسیه و چین در این منطقه است.

به طور کلی چین و روسیه به‌طور زنجیره وار به نیازهای یکدیگر برای تقویت قدرت خود استفاده کرده اند. روسیه در پی ضعف‌های اقتصادی خود از ابتکار کمربند-جاده چین برای توسعه زیرساخت‌های خود، ایجاد اشتغال در روسیه، جبران کسری ذخایر ارزی خود و بی‌اثرسازی تحریم‌های غرب بهره برده است. چین نیز امکان حضور گسترده‌تر در آسیای مرکزی، به پیش بردن ابتکار کمربند-جاده در کریدورهای اقتصادی آسیای مرکزی و روسیه، حمایت از روسیه برای چندقطبی‌سازی نظام بین‌الملل، استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی روسیه و حمایت از قدرت‌های آسیایی برای افزایش نفوذ و تاثیرگذاری در آسیا بهره برده است. با توجه به همکاری‌های توسعه‌ای و اقتصادی چین ذیل ابتکار با کشورهای آسیای مرکزی، توسعه این منطقه باعث توسعه اقتصادی کشورها، کاهش مهاجرت کنترل نشده به روسیه و کاهش افراط‌گرایی اسلامی می‌شود و از این جهت برای روسیه مثبت ارزیابی می‌شود.

ابتکار کمربند-جاده می‌تواند حمایت لازم برای توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای و شتاب-دهی همگرایی منطقه‌ای اوراسیا را با هزینه کم‌تر روسیه فراهم نماید. خصوصاً با مشکلات اقتصادی که روسیه با آن روبرو است و همچنین جایگاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به عنوان واسط آسیا و اروپا تقویت نماید و در برابر پیامدهای منفی ژئوپلیتیکی بلوک‌های اقتصادی بزرگی مانند مشارکت فرا اقیانوسیه<sup>۱</sup> موازنه نماید. البته که برخی در روسیه نسبت به ابتکار کمربند-جاده مخاطراتی را درک می‌کنند اما گزینه عملی دیگری را در حال حاضر ندارند که با ابتکار مخالفت نمایند.

در اوراسیا، چین و روسیه علاقه مند به بسط روابط و همکاری‌های اقتصادی خود هستند و این موضع را به عنوان پیش شرطی برای ثبات سیاسی و اجتماعی در این منطقه می‌دانند و

---

<sup>1</sup>. Trans-Pacific Partnership (TPP)

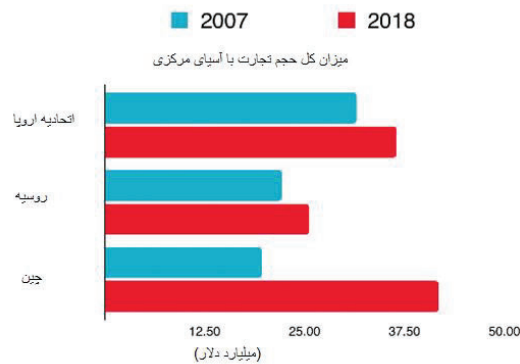
یک آسیای مرکزی امن و باثبات در حیطه منافع مشترک دو کشور است ( Rolland, 2019: 14). همچنین تهدیدات مشترک میان چین و روسیه در این منطقه از یک سو و از طرف دیگر نیاز مبرم روسیه به همکاری اقتصادی با چین باعث شده است که روسیه نسبت به فعالیت‌های اقتصادی و نفوذ رو به گسترش چین در آسیای مرکزی چشم‌پوشی کند و این ابتکار وارد فاز اجرایی شود.

از جمله موانع مهم همکاری و تعامل گسترده میان چین و روسیه را می‌توان رقابت در آسیای مرکزی برشمرد. هر دو کشور تلاش می‌کنند تا راهبردهای اقتصادی خود را در منطقه آسیای مرکزی هماهنگ سازند. ابتکار کمربند-جاده چشم انداز فعالیت اقتصادی بلندمدتی را در آسیای مرکزی برای چین فراهم می‌آورد و این امر تاحدی نارضایتی روسیه را با این روند روبرو ساخته است.

در حال حاضر مناسبات اقتصادی چین و آسیای مرکزی روند رو به افزایش داشته است و این کشور به یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری سرمایه‌گذاران و حامیان مالی آن‌ها تبدیل شده است. نمودار ۱ نشان می‌دهد که حجم کل تجارت چین با آسیای مرکزی در بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ رشد چشمگیری داشته است و از طرفی نسبت به حجم کل تجارت روسیه با آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۸ تفاوت قابل توجهی دارد.

نمودار ۱: حجم کل تجارت اتحادیه اروپا، روسیه و چین با کشورهای آسیای مرکزی در سال‌های

۲۰۱۸ و ۲۰۰۷



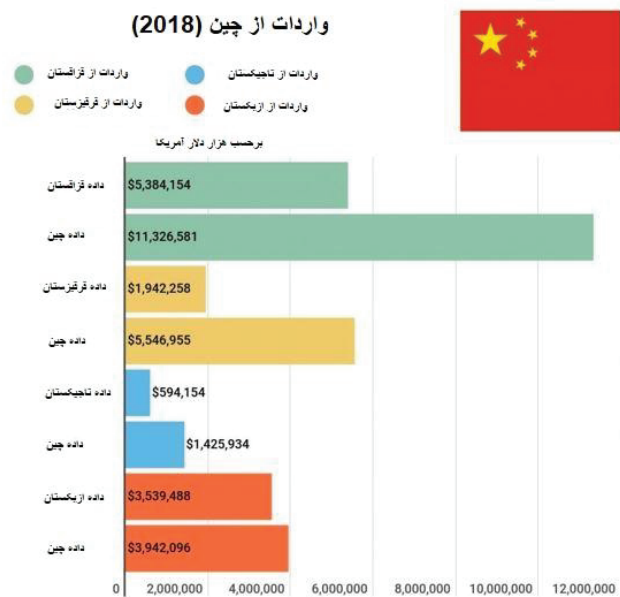
(Eurasianet, 2019)

همچنین نمودار ۲ حجم واردات کشورهای آسیای مرکزی از چین و روسیه را در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد. با مبنا قرار دادن آمار گمرک چین و روسیه در این نمودار، شاهد هستیم که چینی‌ها به غیر از قزاقستان، سهم بیشتری از بازار سایر کشورها را در اختیار

## ۲۱ □ روسیه و ابتکار "کمربند-جاده" چین (۲۰۲۰-۲۰۱۳)

دارند و البته در مجموع، بازار آسیای مرکزی، واردات بیشتری از چین را نسبت به روسیه دربرداشته است و در این زمینه چین دست برتر را نسبت به روسیه دارد.

نمودار ۲: میزان واردات کشورهای آسیای مرکزی از چین و روسیه در سال ۲۰۱۸ (هزار دلار)



(CABAR, 2020)

در واقع با اجرای کمربند اقتصادی جاده ابریشم، بخشی از شرکت‌های روسی بازارهای سنتی را خود در آسیای مرکزی از دست خواهند داد و برای دسترسی بیشتر به مواد خام، وارد رقابتی گسترده با شرکت‌های دولتی چین در منطقه خواهند شد. همچنین، بخش بزرگی از محصولات چینی از طریق طرح‌های خاکستری (منظور غیرقانونی و غیر رسمی است) و به صورت غیر رسمی از مرزهای آسیای مرکزی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا راه می‌یابند. در نتیجه این امر، تاحد زیادی تلاش‌های مسکو برای حمایت از تولید داخلی را بی‌نتیجه کرده است.

موضوعاتی که منافع چین و روسیه را در منطقه آسیای مرکزی در برابر هم قرار خواهند داد:

۱- برقراری کنترل خاص بر واحدها و بخش‌های کلی صنایع با اهمیت استراتژیک از

قبیل انرژی، تولید اورانیوم، استخراج فلزات نادر و طلا

۲- رقابت در حوزه همکاری‌های نظامی-فنی و تجارت تسلیحات

- ۳- جایگزینی راه دریایی شمالی پروژه جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ با راه آهن سراسری سبیری با ایجاد خطوط مواصلاتی جاده‌ای و راه آهن
- ۴- رقابت بر کسب بازار فروش (کرامتی نیا، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۳).

همچنین، نگرانی بلند مدت دیگر روسیه (برخاسته از نگاه بدترین سناریو پیش روی روابط دو کشور و تاثیر ابتکار کمربند-جاده بر آن)، این است که در صورت نهادینه شدن حوزه‌های مختلف همکاری ذیل ابتکار کمربند-جاده میان چین و آسیای مرکزی و به تبع آن نفوذ چین در این منطقه در ابعاد و حوزه‌های متفاوت به حدی برسد که در صورت شکست همکاری روسیه و چین، این منطقه به عنوان منطقه نفوذ و حائل در برابر روسیه عمل نماید و در نتیجه خروجی عملی ابتکار کمربند-جاده به حلقه آهنین مهار روسیه توسط چین منتج می‌شود. در این رابطه سرگی سیپلیایف<sup>۱</sup> عضو آکادمی اقتصادی ملی و مدیریت عمومی ریاست جمهوری روسیه<sup>۲</sup> بیان می‌کند که در صورت شکست همکاری روسیه-چین، کمربند اقتصادی جاده ابریشم این مخاطره را دارد که تبدیل به حلقه آهنین برای روسیه شود و این به معنی مهار روسیه از سوی چین است (Smirnova, 2018: 122).

به عنوان نتیجه در این بخش، می‌توان مطرح کرد اگرچه روسیه متمایل به گسترش همکاری با چین برای ارائه پاسخ معتبر به تهدیدات مشترک در منطقه آسیای مرکزی است، اما از عدم تقارن رو به افزایش قدرت دو کشور و نفوذ فزاینده و رقابتی چین در آسیای مرکزی نگران است. این رویکرد رقابتی روسیه در قبال چین نیز ریشه در رویکرد اوراسیاگرایی حاکم بر سیاست خارجی روسیه و تلقی آسیای مرکزی به عنوان حوزه نفوذ ژئوپلیتیک دارد که در نتیجه آن از حاکم شدن و محور قرار گرفتن هر کشوری غیر از روسیه بر نظم منطقه ای، حتی چین، جلوگیری می‌نماید. الگوی مطلوب روسیه در رابطه با حوزه جغرافیایی پسا شوروی این است که این منطقه همچون یک گروه بندی منسجم با تصمیم‌های واحد و مشترک در رابطه با کشورهای دیگر اقدام نماید. اما چین ترجیح می‌دهد که با کشورهای استقلال یافته از اتحاد شوروی، به صورت دوجانبه یا در طرح‌هایی که خود هدایتگر آن است، همکاری نماید. در زمینه اقتصادی بین روسیه و چین در آسیای مرکزی رقابت وجود دارد و با اجرای طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم رقابت تشدید خواهد شد. روسیه فعالیت‌های چین ذیل کمربند اقتصادی جاده ابریشم در آسیای مرکزی را دارای

<sup>1</sup>. Sergey Tsypliaev

<sup>2</sup>. The Russian Presidential Academy of National Economy and Public Administration

پیامدهای بالقوه ژئوپلیتیک می‌داند و از این جهت برای حفظ حوزه نفوذ خود، ضمن همکاری، در رقابت با چین است.

به صورت کلی روسیه در رابطه با ابتکار کمر بند-جاده تلاش می‌کند سه هدف کلی را دنبال نماید: ۱. نشان دهد این طرح بدون حضور روسیه اجرایی نیست؛ ۲. آن را در امتداد طرح‌های اوراسیاگرایانه خود از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیا، هماهنگ نماید؛ ۳. تا حد امکان امتیازهای بیشتری از چین بگیرد.

### نتیجه‌گیری

بررسی‌های حاکی از آن است که روسیه در ابتدا رویکردی محتاطانه و گاه بدبینانه نسبت به ابتکار کمر بند-جاده داشته است. اما به تدریج و به دنبال فشارها و تحریم‌های غرب علیه روسیه پس از بحران اوکراین و پدید آمدن مشکلات اقتصادی و انزوای سیاسی، روسیه تصمیم گرفت با مشارکت در طرح نوین چین، از تنگنای اقتصادی و سیاسی خود بکاهد. بنابراین، در پاسخ به علت تغییر رفتار روسیه نسبت به ابتکار کمر بند-جاده، می‌توان بیان نمود که مسکو برای رهایی از فشارها و مشکلات اقتصادی و نیز برای تحقق چندجانبه‌گرایی در سیاست بین‌الملل، با ابتکار کمر بند-جاده موافقت کرد.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان منافع و نگرانی‌های روسیه در قبال این ابتکار را در سه سطح مورد ارزیابی قرار داد: ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

در سطح ملی می‌توان به مواردی همچون جذب سرمایه‌گذاری چین و سایر ترتیبات ذیل ابتکار در راستای توسعه زیرساخت‌های داخلی روسیه، تثبیت و ارتقا جایگاه روسیه در مسیر ترانزیتی واصل آسیا و چین به اروپا، توسعه مناطق کوهستانی اورال، سیبری و شرق دور، ایجاد شبکه مراکز نوآوری صنعتی و کشاورزی، توسعه مراکز تولید رقابتی و نوآورانه مد نظر روسیه، همکاری در زمینه انرژی و قطب شمال و پروژه‌های گاز طبیعی مایع شبه جزیره یامال اشاره نمود.

از جمله نگرانی‌های روسیه در سطح ملی می‌توان به نگرانی درباره ثبات سرمایه‌گذاری چینی‌ها در روسیه، نزدیک نبودن روسیه و چین و نیز وابستگی گسترده روسیه به چین اشاره نمود. همچنین، روس‌ها مایل به استفاده از ظرفیت‌های داخلی خود در پیشبرد پروژه‌های ذیل ابتکار هستند که البته چینی‌ها مایل به استفاده از نیروی کار و شرکت‌های فنی و اجرایی خود هستند و این یکی دیگر از مسائل محل بحث طرفین است.

در سطح منطقه‌ای، آسیای مرکزی یکی از ارکان اصلی طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم است. عوامل همگرایی روابط دو کشور در منطقه آسیای مرکزی ذیل کمربند-جاده در این منطقه جغرافیایی به همکاری آن‌ها برای ارائه پاسخ معتبر به تهدیدات و نگرانی‌های مشترک برمی‌گردد. در آسیای مرکزی، منافع امنیتی روسیه و چین بیش از هر منطقه دیگر همپوشانی دارد، اگرچه روسیه و چین بر سر منابع انرژی و فرصت‌های اقتصادی و تجاری در آسیای مرکزی با یکدیگر رقابت دارند. با این وجود دو کشور، در قالب ابتکار کمربند-جاده در زمینه از بین بردن عوامل و منابع ناامنی و بی‌ثباتی همکاری می‌کنند.

البته، اگرچه روسیه متمایل به گسترش همکاری با چین برای ارائه پاسخ معتبر به تهدیدات مشترک در منطقه آسیای مرکزی است، اما از عدم تقارن رو به افزایش قدرت دو کشور و نفوذ فزاینده و رقابتی چین در آسیای مرکزی نگران است. این رویکرد رقابتی روسیه در قبال چین نیز ریشه در رویکرد اوراسیاگرایی حاکم بر سیاست خارجی روسیه و تلقی آسیای مرکزی به عنوان حوزه نفوذ ژئوپلیتیک دارد که در نتیجه آن از حاکم شدن و محور قرار گرفتن هر کشوری غیر از روسیه بر نظم منطقه‌ای، مخصوصاً "چین"، جلوگیری می‌نماید. افزایش سطح بدهی کشورهای آسیای مرکزی به چین و احتمال تبدیل آن به اهرم فشار و نفوذ در این منطقه از جمله نگرانی‌های روسیه تلقی می‌شود. روسیه فعالیت‌های چین ذیل کمربند اقتصادی جاده ابریشم در آسیای مرکزی را دارای پیامدهای بالقوه ژئوپلیتیک می‌داند و از این جهت برای حفظ حوزه نفوذ خود، ضمن همکاری، در رقابت با چین است. روسیه در تلاش است تا به مطرح کردن ایده مشارکت اوراسیایی بزرگ‌تر بر مبنای گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا، آن را با کمربند اقتصادی جاده ابریشم هماهنگ نماید. یکی از اهداف روسیه از مطرح کردن مشارکت بزرگ‌تر اوراسیایی، ارائه تصویری از خود به عنوان کنشگر کلیدی و راهبردی در زمینه همگرایی در اوراسیا است و این که روسیه نقش رهبری را در فرایند همگرایی ایفا می‌کند.

در سطح بین‌المللی، همکاری برای کاهش یکجانبه‌گرایی آمریکا در نظام بین‌الملل از طریق تغییر در نظم بین‌الملل و گسترش چندجانبه‌گرایی از منافع اساسی روسیه در قبال این ابتکار ارزیابی می‌شود. ابتکار کمربند-جاده با تاثیراتی که در جهت افزایش چندجانبه‌گرایی از طریق سازوکارهای چندجانبه، تدوین استانداردها و هنجارهای نوین برای حکمرانی بین‌المللی، کاهش نقش دلار به عنوان ارز بین‌المللی دارد و شکل‌گیری ائتلاف روسیه و چین برای موازنه در برابر تهدید مشترک و فوری، در جهت منافع بین‌المللی روسیه ارزیابی

می‌شود. با وجود این، اما روسیه در "بلند مدت"، از هژمون شدن چین و تاثیر آن بر سیاست بین‌الملل و خصوصا تهدیدات بالقوه که ریشه در وسعت جغرافیایی این کشور و عدم تقارن قدرت با چین دارد، نگران خواهد بود.

در نتیجه، روسیه ابتکار کمر بند-جاده را طرحی با پیامدهای ژئوپلیتیک در دو سطح منطقه آسیای مرکزی و بین‌المللی می‌داند و الگوی رفتاری آن بر طبق رقابت و همکاری پیش می‌رود.

## منابع و مآخذ

### فارسی

- تیشه یار، ماندانا، بخشی، اسمعیل. (۱۳۹۹). روسیه و ابتکار یک کمر بند و یک راه چین؛ فرصت‌ها و تهدیدها. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۳(۲)، ۴۱۹-۴۴۳.
- جوزانی کهن، شایان، جوزانی کهن، شاهین، دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۸). تأثیر ابتکار کمر بند-راه بر آینده شراکت چین و روسیه در آسیای مرکزی. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۲(۴۵)، ۴۳-۶۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۵). کلیات روابط بین‌الملل. تهران: نشر مخاطب، چاپ اول.
- سند مفهوم سیاست خارجی روسیه ۲۰۱۶. (۱۳۹۵). ترجمه موسسه مطالعات ایران و روسیه (ایراس).
- علی حسینی، علی، آئینه وند، حسن. (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل تاثیر اندیشه نئو اوراسیاگرایی بر سیاست خارجی روسیه در بحران اوکراین ۲۰۱۴. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱(۹۲)، ۱۳۱-۱۶۵.
- کرامتی نیا، رقیه. (۱۳۹۵). «منافع روسیه در سایه روشن کمر بند اقتصادی جاده ابریشم»، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).
- کریمی، جهانگیر، کریم خانی، مریم. (۱۴۰۱). روند قدرتمندی جهانی چین و سیاست موازنه‌ای روسیه. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵(۱)، ۲۵۷-۲۷۹.
- واعظی، طیبیه، خزائی، امید. (۱۴۰۰). ابتکار یک کمر بند و یک راه؛ تقویت رقابت یا همکاری چین و روسیه در آسیای مرکزی در حوزه انرژی (۲۰۱۹-۲۰۱۴). مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۴(۱)، ۱۲۷-۱۵۱.

### لاتین

- CABAR. (2020). "Discrepancies in Customs Statistics of Central Asian Countries", Central Asian Bureau for Analytical Reporting, Jyldyz Sarieva, Available at: <https://cabar.asia/en/discrepancies-in-customs-statistics-of-central-asian-countries> (Time of Access 2023).
- Eurasianet. (2019). "The EU's new Central Asia strategy: What does it mean for trade?", Sam Bhutia, Available at: <https://eurasianet.org/the-eus-new-central-asia-strategy-what-does-it-mean-for-trade> (Time of Access 2023).

- Gabuev, Alexander (2016), "Crouching Bear, Hidden Dragon: "One Belt One Road" and Chinese-Russian Jostling for Power in Central Asia", *Journal of Contemporary East Asia Studies*, Vol. 5, No. 2, pp. 61-78.
- Gabuev, Alexander, A, Ivan Yu. Zuenko. (2018). "The "Belt and Road" in Russia: Evolution of Expert Discourse from Caution to Euphoria to Disappointment", *Russia in Global Affairs*, Vol. 16, No. 4.
- Gabuiev, Alexander. (2020) "Allied Demonstration, Why Putin Spoke about a Military Alliance with China", Moscow Carnegie Center, Available at: <https://carnegie.ru/commentary/83341> (In Russian). (Time of Access 2023).
- Gabuiev, Alexander. (2021), "You Can't Tolerate Stopping: Europe and the Russian-Chinese Rapprochement", Moscow Carnegie Center, Available at: <https://carnegie.ru/specialprojects/sinorussianentente> (In Russian). (Time of Access 2023).
- Green Finance & Development Center. "Countries of the Belt and Road Initiative (BRI)", Available at: <https://greenfdc.org/countries-of-the-belt-and-road-initiative-bri/> (Time of Access: 2022).
- Rolland, Nadege. (2019). "A China-Russia Condominium Over Eurasia", *Survival Global Politics and Strategy*, Vol. 61, Issue 1, Publisher: IISS.
- Rumer, Eugene B. (2017). "Russia's China Policy: This Bear Hug Is Real", *Russia-China Relations Assessing Common Ground and Strategic Fault Lines*, The National Bureau of Asian Research (NBR Special Report 66), Seattle and Washington.
- Smirnova, Larisa. (2018). "Perception of China's "One Belt, One Road" in Russia: "United Eurasia" Dream or "Iron Circle" of Containment?", *21st Century*, No.1 (20).
- Trenin, Dmitri (2015), "From Greater Europe to Greater Asia? the Sino-Russian Entente", Available at: <http://carnegie.ru/2015/04/09/from-greater-europe-to-greater-asia-sino-russian-entente-pub-59728> (Time of Access 2023).
- Trenin, Dmitry (2013), "The Formation of the Russian-Chinese Security Community", Moscow Carnegie Center, Available at: [https://www.carnegieendowment.org/files/CP\\_Trenin\\_Rus\\_China2013.pdf](https://www.carnegieendowment.org/files/CP_Trenin_Rus_China2013.pdf) (Time of Access 2023).
- Vinokurov, Evgeny. (2019). "The Belt and Road Initiative: A Russian Perspective", *China's Belt and Road Initiative: Potential Transformation of Central Asia and the South Caucasus*, Publisher: Sage.